

مجلس دهم

غیرت‌ورزی در آموزه‌های اسلامی با محوریت نهضت عاشورا

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

درآمد

امروزه رسانه‌های غرب، ارزش‌های دینی و اخلاقی را به شکلی گسترده نشانه رفته‌اند. بدیهی است که در چنین فضای غبارآلودی، واژگانی چون «غیرت» مهجور مانده‌اند. از این رو، بایسته است چنین صفت والایی را بازخوانی نماییم و به بسط همه‌جانبه آن در میان جامعه اهتمام ورزیم. «غیرت»، از فضیلت‌های الهی و انسانی است که همواره نگهبان دین و ناموس انسان می‌باشد. این ارزش متعالی اخلاقی، باید همچون دیگر سجایا و فضایل معنوی، شکوفا گردد و در نهاد آدمی پرورش یابد و البته تنها عامل رشد آن، دین و ایمان است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛^۱ همانا غیرت، از ایمان ناشی می‌شود.»

یکی از صحنه‌هایی که غیرت و غیرت‌مداری در آن به اوج خود رسید،

* پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴.

کربلای حسینی و قیام عاشوراست؛ زیرا امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت ایشان، همه زندگی خود را، صادقانه برای پاسداری از دین و ارزش‌های معنوی فدا کردند و غیورانه در این راه ایستادگی نمودند.

چیستی غیرت

واژه «غیرت» به فتح «غین و راء»، در لغت به معنای حمیت و غضب،^۱ ناموس پرستی و رشک‌بردن است و به انسان بسیار غیرتمند و ناموس پرست، «غیور» می‌گویند^۲ و در اصطلاح، صفتی است که انسان را به دفاع شدید از دین و آیین، عرض و ناموس، مال و کشور خود وادار کند؛ به‌ویژه، این واژه در مواردی به کار می‌رود که چیزی حق اختصاصی شخص یا گروهی است و دیگران می‌خواهند حریم آن را بشکنند و به همین جهت، صاحب آن حق، به دفاع شدید برمی‌خیزد.^۳

بایستگی غیرت

غیرت، از صفاتی است که ریشه در فطرت آدمی دارد؛ چنان‌که علامه طباطبایی می‌گوید: «این صفت، صفتی است که هیچ انسانی از آن بی‌بهره نیست.»^۴

بنابراین، غیرت، یک واکنش طبیعی و فطری انسان است. به همین جهت، امام علی علیه‌السلام بی‌غیرتان را افرادی بیمار و غیرطبیعی خوانده: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ

۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۶ و ۳۴۸؛ مرتضی حسینی زبیدی واسطی، تاج العروس، ج ۷، ص ۳۳۳.

۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۸۹۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۴۳۱.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۷۵.

فَهُوَ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ؛^۱ اگر انسانی غیرت نداشته باشد، قلب و فکرش وارونه است؛ زیرا چنین فردی، در واقع، از حالت طبیعی خود خارج شده است. غیرت تا آنجا اهمیت دارد که شارع در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَحَدَّ الْحُدُودَ وَمَا أَحَدٌ أَعْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ؛^۲ آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ‌کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتی‌ها را حرام کرده است و خدا غیرتمندان را دوست دارد.» علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ؛^۳ خداوند، غیور است و غیرتمند را دوست دارد.» به جهت اهمیت غیرت بود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با بی‌غیرتان به شدت برخورد می‌نمود. روزی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در یکی از حجره‌هایش با علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته بود. حکم بن ابی العاص (پدر مروان و عموی عثمان)، از شکاف در به داخل آن حجره نگاه می‌نمود و دزدانه به سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دیگر افراد داخل حجره گوش می‌کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: برو او را بیاور. حضرت بیرون آمد و گوش حکم را گرفت و او را به داخل برد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز او را به طائف تبعید کرد.^۴

عرصه‌های غیرت‌ورزی

۱. غیرت ناموسی

غیرت، ابعاد مختلفی دارد. یکی از ابعاد بسیار مهم آن، غیرت ناموسی است و آن، دفاع از ناموس در برابر هر چیزی است که قصد تعرض یا لطمه‌زدن

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۳۲.

۳. کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۴. عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۸، ص ۲۴۳.

جسمی و روحی به همسر انسان را داشته و حریم او را مورد سوء قصد قرار دهد. از نگاه دین، زن و خانواده، امانتی است گران‌قدر و ارزشمند که خداوند آن را به مرد سپرده و او نیز باید با تمام وجود، از این امانت پاسداری کند. از سوی دیگر، «غیرت‌مداری» در برابر ناموس، ضامن حفظ بنیان خانواده و عاملی جهت حفظ امنیت روانی جامعه خواهد بود. این پاسداری و غیرت در عرصه حفظ جان و عفت ناموس و خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از همین روست که امام حسین علیه‌السلام در طول سفر و در کربلا به نگهبانی از حریم اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت و حتی برای این امر، تاکتیک نظامی در نظر گرفت؛ چنان‌که حضرت پس از رسیدن به کربلا، دستور داد تمام خیمه‌ها را متصل به هم نصب کنند و خیمه‌های بانوان را در وسط قرار دهند و اطراف آن را خندق بکنند و از آتش پُر کنند تا مبادا دشمن از پشت سر به خیام اهل بیت علیهم‌السلام حمله کند.^۱

حضرت تا آنجا که توان داشت، از حریم خانواده خویش دفاع کرد و در آخرین لحظات عمر نیز در این خصوص از دیگران کمک خواست؛ تا ندای او در تاریخ بماند که برای پاسداری و صیانت از حریم خانواده خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.^۲ حضرت فرمود: «هَلْ مِنْ رَاحِمٍ يَرْحَمُ آلَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُ الذَّرِيَّةَ الْأَطْهَارَ هَلْ مِنْ بَحِيرٍ لِأَبْنَاءِ الْبَتُولِ، هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ الرَّسُولِ»^۳ آیا رحم‌کننده‌ای هست که به خاندان پیامبر برگزیده ترحم کند؟ آیا یاری‌کننده‌ای هست که فرزندان پیامبر را یاری دهد؟ آیا کسی هست که به فریاد فرزندان [زهرا] بتول برسد؟ آیا دفاع‌کننده‌ای هست که از خانواده رسول خدا دفاع کند؟»

۱. خوارزمی، مقتل الحسین علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲. ابن‌عثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۷.

۳. باقر شریف القرشی، حیاة الامام حسین علیه‌السلام، ج ۳، ص ۲۷۴.

در لحظه‌های سرخ غروب عاشورا که پیکر خونین امام حسین علیه السلام در گودال قتلگاه در خون نشسته بود، آل ابوسفیان به سوی خیمه‌های امام یورش آوردند. ناگاه صدای گریه کودکان و ناله زنان به گوش امام علیه السلام رسید. حضرت بر زانوی خود برخاست و خطاب به دشمنان فرمود: «وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، لا اقل آزادمرد باشید.»^۱

البته غیرت‌ورزی اهل بیت علیهم السلام اختصاص به کربلا نداشت؛ بلکه ایشان همیشه و در همه زمان و شرایطی، این خصلت را رعایت می‌نمودند.

یحیی مازنی، یکی از اهالی مدینه، می‌گوید: من در شهر مدینه و در همسایگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام بودم و منزلم پهلوی منزلی بود که زینب، دختر علی علیه السلام در آنجا زندگی می‌کرد. به خدا سوگند! هیچ‌گاه کسی قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می‌خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برود، در دل شب و به همراه پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و برادرانش حسن و حسین علیهم السلام می‌رفت. علی علیه السلام در مورد این‌گونه تشرف زینب علیها السلام، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى سَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبُ؛^۲ بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند.»

گفتنی است که امام علیه السلام، نه تنها نسبت به ناموس و خانواده خود غیرتمند بود، درس غیرتمندی و شرافت به ناموس دیگران را نیز به انسان‌ها آموخته است. یزید در زمان ولایت‌عهدی خود، با اینکه همه نوع وسایل شهوت‌رانی و کام‌جویی و کامروایی برایش فراهم بود، چشم ناپاک و هرزه‌اش را به بانوی شوهردار عقیقی دوخته بود. پدرش معاویه، به جای اینکه در برابر این رفتار، واکنش نشان دهد، با

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج ۱۱، قسم ۲، ص ۹۵۵.

حیله‌گری و دروغ و فریبکاری، مقدماتی فراهم ساخت تا زن پاکدامن آن مسلمان را از شوهرش جدا کند و به بستر گناه‌آلود پسرش یزید بکشاند. حسین بن علی علیه السلام از قضیه با خبر شد و در برابر این تصمیم زشت، ایستاد و نقشهٔ شوم معاویه را نقش بر آب ساخت. امام علیه السلام زن را نزد شوهرش عبدالله بن سلام بازگرداند و دست تعدی و تجاوز یزید را از خانوادهٔ آن مسلمان و پاکیزه، قطع نمود. ایشان با این کار، همت و غیرت الهی‌اش را نمایان کرد و علاقه‌مندی خود را به حفظ نوامیس جامعهٔ اسلامی ابراز داشت. این رفتار که در زمره مفاخر آل علی علیه السلام و گویای ستمگری بنی‌امیه بود، برای همیشه در تاریخ به یادگار ماند.^۱

۲. غیرت دینی

منظور از غیرت دینی، این است که انسان مسلمان نسبت به کیان اسلام و آنچه به دین او مربوط می‌شود، حسّاس باشد و با تمام توان در حفظ و اجرای آن بکوشد و از کوچک‌ترین خدشه و تعرّضی نسبت به آن جلوگیری کند. بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلم، همگی می‌تواند در راستای غیرت دینی قرار گیرد؛ چراکه هر یک از موارد یادشده، از یک سو در تحکیم احکام اسلام مؤثر است و از سوی دیگر، با ضدّ آن سر ستیز دارد. با توجه به این نکته، علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِذَا نَزَلَتْ نَزْلَةٌ فَأَجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ»^۲ هنگامی که حادثه‌ای پیش آمد [که دین یا جان شما را تهدید می‌کند]، جان خویش را فدا کنید؛ نه دینتان را. «عظمت و ارزش دین، تا حدّی است که برای بقای آن، حتی عزیزترین انسان‌ها و حجّت‌های الهی باید فدا شوند.

۱. دینوری، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۵۳ به بعد.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۶.

در حادثه عاشورا نیز امام حسین علیه السلام جهت پاسداری از دین و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسید و اهل بیت حضرت هم به اسارت رفت؛ یعنی پس از درگذشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اوضاع جهان اسلام دگرگون شد، دین و ارزش‌ها تحریف گردید و بدعت‌ها ظهور نمود. اوج این کج‌روی، در عصر یزید به ظهور رسید؛ چنان‌که منکر وحی و دیانت گشت. مصیبت بدتر آن بود که یزید تمامی این کردار را در موقعیت خلافت از رسول خدا انجام می‌داد! ازین‌رو، امام حسین علیه السلام هنگامی که یزید از او بیعت خواست، فرمود: «... یزید مردی بدکردار، شراب‌خوار، قاتل افراد بی‌گناه است و آشکارا گناه و تباهی می‌کند.»^۱

در چنین فضایی، امام با تمام توان از دین و ارزش‌ها پاسداری می‌نماید و با شعار امر به معروف و نهی از منکر درصدد از بین بردن حکومت یزید برمی‌آید؛ چنان‌که فرمود: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ بَطْرًا وَلَا أَشْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ أَطْلُبُ الصَّلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٍ أُرِيدُ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۲ از سوی دیگر، امام به مسائلی مانند: حاکمیت رهبری ظالم، منکرات و دین‌زدایی امویان اشاره می‌نماید که حکایتگر از بین رفتن دین و ارزش‌های انسانی است؛ «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ...»^۳

امام حسین علیه السلام با وجود اینکه می‌دانست در جنگی نابرابر شرکت می‌نماید، اما اهل بیت را با خود می‌برد تا ثابت کند که حفظ دین، از اهل بیت هم مهم‌تر است. اهل بیت امام علیه السلام که به این امر شناختی عمیق داشتند، به‌شایستگی وظیفه خود را محقق ساختند و تهدیدها را به فرصت تبدیل کردند و هیچ‌گاه زانوی غم

۱. ابی مخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۸۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۹.

۳. ابی مخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۱۷۲.

در بغل نگرفتند؛ بلکه مانند امام حسین علیه السلام غیرت دینی را به نمایش گذاشتند و شهادت امام را قربانی و زیبایی خواندند: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقُرْبَانَ.»^۱

غیرت دینی سیدالشهداء علیه السلام، در غیرت پیروان آن حضرت نیز در طول تاریخ نقش داشت؛ چنان که امام راحل علیه السلام غیورانه و شجاعانه، حکم ارتداد سلمان رشدی را صادر نمود و این در حالی بود که این فتوا ممکن بود در ارتباطات و معاملات ایران با کشورهای دیگر تأثیر داشته باشد و امام را به ضد آزادی بیان متهم کنند.

بی‌غیرتی در پوشش و آرایش

متأسفانه، امروزه بی‌غیرتی، بیشتر در عرصه پوشش و آرایش نمود پیدا کرده است که در ادامه به توضیح هریک می‌پردازیم.

۱. پوشش

به نظر می‌رسد در حجاب زنان ما، غیرت حلقه گمشده‌ای است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و این روزها در جامعه، غیرت خیلی کم‌رنگ شده است. این بی‌غیرتی و بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی، عواقب شومی دارد که شاهد آن هستیم؛ مانند: افزایش وحشتناک آمار طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش روابط نامشروع در بین مردم، از هم‌پاشیدگی بنیان خانواده‌ها.

آیا دشمن فقط حیا و حجاب را نشانه گرفته است که بتوان با دفاع در برابر آن، شیوع بی‌حجابی را درمان کرد؟ آیا وقت آن نرسیده است که بفهمیم غیرت، هدف اولی است که دشمنان نشانه گرفتند تا در گام بعدی، حجاب را هدف قرار دهند؟

۱. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، ص ۹۵۸.

بدحجابی و بی‌حجابی، با فقدان یا ضعف غیرت رابطه دارد و ریشه‌های عمده آن، ضعف غیرت پدران یا شوهران است که در پیشگاه خداوند مسئول خواهند بود و در گناهانی که دختران و همسران آنها مرتکب می‌شوند، شریک خواهند بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «كَانَ إِبْرَاهِيمَ أَبِي غَيْرًا وَأَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَأَزْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ پدرم ابراهیم، باغیرت بود و من باغیرت‌تر از اویم. خداوند بینی مؤمنی را که غیرت ندارد، به خاک می‌مالد.»

در برخی خانواده‌ها، غیرت به همان اندازه حجاب و حتی بیش از آن، مغفول مانده است. علی عَلِيٌّ ضمن نکوهش بعضی مردم عراق که زنانشان در بیرون منزل به صورت زننده‌ای با مردان اختلاط داشتند، فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ»^۲ خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد! همچنین، فرمودند: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُوَافِينَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ»^۳ به من خبر رسیده که زنانتان در بازار تنه‌شان به تنه مردان بی‌ایمان و لایبالی می‌خورد؛ آیا حیا نمی‌کنید؟»

کسی که غیرت ندارد، در واقع، خیری در او نیست و از ایمان بویی نبرده است. از این رو، یک انسان مؤمن غیور هرگز نمی‌پذیرد که همسر یا دخترش بدون حجاب مناسب و با لباس‌های زننده، تنگ، نازک، محرک و نیمه‌عریان به خیابان بیاید؟ درحالی‌که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «غیرت، از ایمان است و بی‌بندوباری، از نفاق.»^۴

بر این اساس، علمای ما در برابر همسر و دختران خود، غیرتمند بودند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۷۶، ص ۱۱۵.

۳. احمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۱۵.

۴. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴.

آیت‌الله شهید مصطفی بهشتی، پدر شهید حجت‌الاسلام والمسلمین حسن بهشتی که از علمای اصفهان بود، تصمیم گرفت با همسرش به زیارت کربلا برود. در مرز ایران و عراق، مسئول گذرنامه‌ها اصرار کرد که باید به چهره همسران نگاه کنم و با عکس گذرنامه، تطبیق نمایم. ایشان گفت: یک زن این کار را انجام دهد؛ ولی مسئول گذرنامه نپذیرفت و تأکید کرد که: نه، من خودم می‌خواهم تطبیق دهم! آن بزرگ‌مرد امتناع کرد. ایشان سه روز آنجا ماند و تمام زوار کنترل شدند و به زیارت امام حسین علیه السلام رفتند؛ ولی ایشان موفق نشد. سرانجام به کرمانشاه برگشت و چند روزی در منزل آیت‌الله اشرفی اصفهانی اقامت نموده و به اصفهان بازگشت. مردم از ایشان پرسیدند: چرا به زیارت مشرف نشدید؟ آقای بهشتی پاسخ داد: امام حسین علیه السلام ما را نطلبید! این قضیه گذشت. بعد از چند روزی، زائران از سفر آمدند و به خدمت ایشان رفتند و گفتند: آقا! ما آمدیم معامله کنیم و آن اینکه تمام ثواب زیارات خود را به شما بدهیم و در عوض، شما ثواب کربلای نرفته را به ما بدهید! حالا چه سرتی بوده و اینکه امام حسین علیه السلام چه صحنه‌ای را برای این زائران به وجود آورده و آن زائران را منقلب کرده که حاضر شده‌اند این‌گونه بگویند، خدا می‌داند!

۲. آرایش

زیباگرایی، امری فطری است. از این رو، در روایات متعددی خوشبوکردن زن،^۱ آراستن ناخن،^۲ توجه به زیبایی چهره^۳ و رنگ موی زن^۴ از یک سو، و لزوم

۱. رک: علیرضا حاتمی، داستان‌هایی از علما.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

۵. همان، ج ۷۶، ص ۱۰۲.

آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر، مورد توجه قرار گرفته است؛ اما درباره آرایش زنان باید دو مطلب از هم تفکیک شود: اول، آرایش زن در محیط خانه و برای همسر، و دوم، آرایش خود برای نشان‌دادن به دیگران. در خصوص مطلب نخست، اسلام با خودآرایی و زینت زنان مخالفتی ندارد و آنان را به این مسئله سفارش کرده است؛ ولی درباره مطلب دوم، اسلام با خودآرایی در مکان‌های عمومی مخالف است. مجله فرانسوی «اکو مُد» درباره آرایش زنان ایرانی می‌نویسد:

«صورت‌ها، دیگر واقعی و دلنشین نیستند. زنان ایرانی، چهره خود را پشت نقاب سنگینی از آرایش و عمل زیبایی مخفی می‌کنند. جای تعجب دارد که زنان این کشور، با وجود آموزه‌های دینی خود، شیشه ستاره‌های فیلم‌های پورنو آمریکایی آرایش می‌کنند. ما در خیابان‌های اروپا بسیار کم با چنین مواردی روبه‌رو می‌شویم. در ایران، صورت زنان بیشتر از آنکه حس خوبی القا کند، حس شهوت را برمی‌انگیزاند...»^۱

روش نهادینه‌سازی غیرت

غیرت، حکم سیستم دفاعی بدن را دارد که هرگاه به عللی از بین برود، ساختار دین و ارزش‌های انسانی آسیب می‌بیند؛ زیرا بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی در برابر بدعت‌گزاران و کسانی که درصدد مخدوش‌ساختن فرهنگ دینی و سنت‌های الهی هستند، زمینه جرئت و جسارت به گناه را بیشتر می‌کند و موجب زدودن ارزش‌ها در سطوح مختلف جامعه می‌شود.

بر این اساس، باید فرهنگ غیرت‌ورزی را نهادینه نمود. یکی از راه‌های این امر، غیرت‌افزایی است که می‌تواند هم با احساس‌افزایی صورت گیرد و هم با

تنبیه. جوانی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! آیا به من اجازه می‌دهید، زنا کنم؟ با گفتن این سخن، مردم به او اعتراض کردند؛ ولی پیامبر، با خون‌سردی و ملایمت فرمود: «نزدیک بیا!» جوان نزدیک‌تر آمد و در برابر پیامبر نشست. حضرت با محبت از او پرسید: «آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟» گفت: نه، فدایت شوم! پیامبر ادامه داد: «همین‌طور، مردم نیز راضی نیستند با مادرشان چنین شود.» آن‌گاه حضرت فرمود: «آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟» جوان گفت: نه، فدایت شوم! حضرت فرمود: «همین‌گونه، مردم درباره دخترانشان راضی نیستند.» سپس حضرت از جوان پرسید: «آیا این کار را برای خواهرت می‌پسندی؟» جوان مجدداً انکار کرد. جوان درحالی‌که شدیداً از سؤال خود پشیمان شده بود، از پیامبر خواست تا در حقش دعا کند. حضرت دست بر سینه او گذاشت و چنین دعا کرد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذَنْبَهُ وَطَهِّرْ قَلْبَهُ وَحَصِّنْ فَرْجَهُ؛ خدایا! گناه او را ببخش و قلب او را پاک گردان و دامان او را از آلودگی به بی‌عفتی نگاه دار!» بدین ترتیب، پیامبر اکرم ﷺ با تحریک و شکوفاسازی غیرت آن جوان، او را از این عمل زشت پشیمان ساخت؛ به طوری‌که از آن پس، منفورترین کار نزد آن جوان، فحشا بود.

همچنین، گاهی لازم است با شخص بی‌غیرت، به شدت برخورد نمود. علی رضی الله عنه درباره غیرت در مقابل گناهان فرمود: «أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ؛ رسول خدا ﷺ ما را امر نمود که با اهل معاصی و گناهکاران با روی گرفته و خشمگین برخورد کنیم.»

یک روز، بانوی مسلمانی در بازار بنی قینقاع نشسته بود. یک یهودی پایین پیراهن وی را بدون اینکه متوجه شود، به بالا سنجاق کرد. وقتی آن زن برخاست،

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۹.

قسمتی از بدنش آشکار شد. یهودیان حاضر با خنده‌های خود به مسخره‌کردن زن مسلمان پرداختند. فریاد آن زن مسلمان بلند شد. از آنجا که این کار، نوعی تحقیر و دهن‌کجی به عفت مسلمانان محسوب می‌شد، یکی از مسلمانان غیرتمند، به آن یهودی حمله کرد و او را کشت. یهودیان حاضر نیز به آن مرد مسلمان هجوم بردند و او را به شهادت رساندند.^۱

اهل بیت علیهم‌السلام، الگوی عفت و غیرت

کرامت انسانی زن، در سایه عفاف او تأمین می‌شود. حجاب نیز یکی از احکام دینی است که برای عقیف ساختن و پاکدامنی زن و حفظ جامعه از آلودگی‌های اخلاقی تشریح شده است؛ چنان‌که نهضت عاشورا نیز برای احیای ارزش‌های دینی بود. در سایه آن، حجاب و عفاف زن مسلمان نیز جایگاه خود را یافت و امام حسین علیه‌السلام و زینب کبری علیها‌السلام و دودمان رسالت، چه با سخنانشان، چه با شیوه عمل خویش، یادآور این گوهر ناب گشتند. زینب کبری علیها‌السلام و خاندان امام حسین علیه‌السلام، برای زنان الگوی حجاب و عفاف‌اند. اینان در عین مشارکت در حماسه عظیم و ادای رسالت حسّاس و خطیر اجتماعی خود، متانت و عفاف را هم مراعات کردند و اسوه همگان شدند؛ هرچند دشمن سعی کرد با غارت خیمه‌ها، به اسارت گرفتن زنان و دختران و گرداندن آنان در شهرهای مختلف به صورت توهین‌آمیز، شخصیت آنان را تحقیر نماید.

اعتراض حضرت زینب علیها‌السلام به یزید برای هتک حرمت خاندان رسالت و به معرض تماشا گذاشتن اهل بیت و شهر به شهر گرداندن آنان در برابر نگاه نامحرمان، شاهدی روشنی بر این مقاومت بر سر اصول و ارزش‌هاست.^۲ زنان

۱. سید عبدالحجت بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۶، ص ۳۳۲.

۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، العوالم (امام حسین علیه‌السلام)، ص ۴۰۳.

اهل بیت، با آنکه اسیر بودند و لباس هایشان به غارت رفته بود و با وضع نامطلوب در معرض دید مردم بودند، بر هتّاکی دشمنان اعتراض کردند؛ چنانکه امّ کلثوم در کوفه بر سر مردم فریاد کشید که: «آیا شرم نمی‌کنید برای تماشای اهل بیت پیامبر ﷺ جمع شده‌اید؟»^۱ در دوران اقامت چندروزه در کوفه هم، زینب کبری علیها السلام اجازه نداد کسی جز کنیزان، وارد آن خانه شود.^۲ هنگام ورود به شام، امّ کلثوم علیها السلام شمر را طلبید و از او خواست تا آنان را از دروازه‌ای وارد کنند که اجتماع کمتری باشد و سرهای مطهر شهدا را دورتر نگه دارند تا مردم به تماشای آنها پرداخته، کمتر به چهره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کنند؛^۳ اما شمر برعکس عمل کرد و اسیران را از دروازه ساعات وارد دمشق کرد.^۴

عفت‌مداری و حجاب اهل بیت علیهم السلام، برای همگان اسوه کاملی است تا به‌شایستگی نسبت به نگهبانی از حریم خانواده خویش قیام کنند؛ البته همان‌گونه حفظ جان و ناموس بر انسان واجب است، حفظ عفت نیز لازم است؛ اما برخی مردان محدوده ابراز غیرت خود را صرفاً در برخی از روابط خاص و فسادهای آن‌چنانی می‌بینند و گمان می‌کنند که شوخی و مزاح زن با نامحرم، ربطی به غیرت ندارد! به همین دلیل، حسّاسیتی نسبت به رفتارهای همسر خود ندارند و به او اجازه می‌دهند جلوه‌های زنانه خود را در معرض دید نامحرم قرار دهد و با نامحرم به مزاح و شوخی پردازد! غافل از اینکه هیچ مرد غیوری، نمی‌تواند بپذیرد ناموسش در معرض نگاه‌های نفسانی نامحرم قرار گیرد.

۱. عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۴۰۰.

۲. همان، ص ۴۲۴.

۳. سید محسن الامین، اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۵.

۴. باقر شریف القرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۳۷۰.